

قرائت ترمیمی از قرار ترک تعقیب در حقوق کیفری ایران

محمد آشوری^۱، محمدعلی مهدوی ثابت^۲، منصوره پورقاسم^۳

^۱استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه

^۲استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه

^۳کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم تحقیقات تهران

نویسنده مسئول:

محمد آشوری

چکیده

موضوعی که این پژوهش به بررسی آن می پردازد، قرائت ترمیمی از قرار ترک تعقیب در حقوق کیفری ایران است؛ حمایت از حقوق بزه‌دیدگان از جمله هدف های نظام عدالت کیفری است که بارزترین این رویکردها عدالت ترمیمی است که در پرتو آن نظام عدالت کیفری با یک نگرش بزه‌دیده مدار به دنبال تامین خواسته‌های بزه‌دیدگان است و همچنین در رویکرد توافقی به عدالت کیفری مقام قضایی با مشارکت بزهکار در خصوص سرنوشت دعوای کیفری تصمیم‌گیری می‌کند. عدالت ترمیمی رویکردی نوین در پاسخ به جرم است و به دنبال مشارکت دهی داوطلبانه و فعال کلیه سهامداران در فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد. در دیدگاه‌های مورد بررسی در این پژوهش نشان می‌دهد که با پیش‌بینی جرایم قابل گذشت، نهاد ترک تعقیب، گرایش خود را به ترمیمی نمودن دادرسی کیفری نشان داده است. هرچند قرار ترک تعقیب در ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته بود لیکن، با تغییراتی در ماده ۷۹ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به آن پرداخته و شاکي و متهم به مشارکت فعال در حل و فصل مسائل ناشی از جرم ارتكابی اهتمام ورزیده و به آن جهت ترمیمی داده می‌شود. در حقیقت نتیجه فرآیند رسیدگی با رویکرد ترمیمی توافق می‌باشد که بر محوریت جبران خسارت وارده به بزه دیده و مشارکت فعال سهامداران پدیده جرم صورت می‌پذیرد؛ لذا با توجه به اهمیت این موضوع محقق در این پژوهش این قرار را از منظر عدالت ترمیمی مورد بحث قرار داده است.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، تعقیب، قرار ترک تعقیب، سازش

درآمد

آیین دادرسی کیفری، یکی از شاخه‌های هنجارمند علوم جنایی است که مطالعه ی تشکیلات قضایی و تشریفات دادرسی پرداخته و در مقام تضمین امنیت و آزادی از طریق به کیفر رساندن بزهکاران، یعنی مصالح و منافع جمعی از یک سو و حقوق و آزادی های فردی و حریم شخصی از سوی دیگر است.^۱ و باید حقوق متهم و بزه دیده در جامعه را رعایت نماید. تصمیمات مراجع قضایی که در طول رسیدگی اتخاذ می-گردد برخی به «قرار» و برخی به «حکم» و برخی دیگر «دستورات صرف اداری» تعبیر می‌شود. «قرار» های صادره از مقام‌های قضایی به «قراراتهای تمهیدی» و «قراراتهای نهایی» تقسیم می‌شود.^۲ «قراراتهای تمهیدی» قرارهایی است که پرونده را جهت اتخاذ تصمیم نهایی مبنی بر ارسال پرونده به دادگاه در جهت احراز بزهکاری یا بیگناهی متهم آماده می‌سازد. استماع شهادت شهود، ارجاع امر به کارشناسی، تحقیقات محلی، اعطای نیابت قضایی و ... از آن جمله هستند.^۳ اما، قرارهای نهایی آنگاه صادر می‌شود که بازپرس یا قاضی تحقیق پس از اتمام تحقیقات نسبت به اقدامات معمول شده و نتایج به دست آمده به داوری می‌نشیند و سرانجام نظر خود را خواه با اصدار قرار مجرمیت مبنی بر وجود دلایل کافی جهت جلب متهم به محاکمه و خواه به صورت قرار منع تعقیب اعلام می‌دارد.^۴

بنابراین، از آنجایی که با صدور قرار ترک تعقیب قاضی فارغ از رسیدگی می‌گردد می‌توان قرار ترک تعقیب را از جمله قرارهای نهایی برشمرد. قرار ترک تعقیب به این معنی است که با درخواست شاکی مبنی بر ترک تعقیب، دادگاه مبادرت به صدور قرار ترک تعقیب می‌کند که از اعتبار امر مختومه برخوردار نیست و برای شاکی حق شکایت مجدد وجود دارد.^۵ پیریایی (۱۳۸۹)؛ در کتاب «ترک تعقیب جایگزین تعقیب در حقوق کیفری» معتقد است: قرار ترک تعقیب یکی از نوآوری های حقوق کیفری ایران می باشد.^۶

ترک تعقیب به عنوان یکی از تأسیسات مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری ایران از جمله نوآوری هایی ست که در جهت سیاست جنایی مشارکتی از طریق برقراری صلح و سازش بین بزهکار و بزه دیده گام برمی دارد؛ لذا با پیش‌بینی این نهاد قانونگذار ایران گرایش خود را به ترمیمی نمودن دادرسی کیفری نشان داده است. در نهاد ترک تعقیب کلیه سهامداران در فرایند تصمیم گیری، به خصوص شاکی و متهم به مشارکت فعال در حل و فصل مسائل ناشی از جرم پرداخته و به آن جهت ترمیمی داده می شود. قانونگذار در تبصره یک ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ قرار ترک تعقیب را پیش‌بینی کرده بود و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲ در ماده ۷۹ نیز دوباره مقتن آن را ادامه داد. ماده ۷۹ قانون آ.د.ک قرار ترک تعقیب را بنا به درخواست شاکی ممکن می‌نماید که نشان می‌دهد قانونگذاران به نوعی از دستاوردهای بزه دیده شناسی متأثر بوده‌اند. از طرف دیگر، معرفی حقوق جدید بزه‌دیدگان اغلب به عنوان بخشی از جنبش گسترده‌تر تحت عنوان «عدالت ترمیمی» یا عدالت ترمیم و احیاگر است. عدالت ترمیمی، دعوتی است به مشارکتی کامل، اتفاق نظر و اجماع. این بدان معناست که بزهکاران، بزه دیدگان و جامعه محلی در اجرای عدالت درگیر شوند.^۷

عدالت ترمیمی به عنوان سیاست جنایی قابل انعطاف، الگوی جدیدی است که بر احیای حقوق بزه دیده و حل و فصل و رفع خصومت مسائل ناشی از وقوع بزه و ترمیم خسارت‌ها به ویژه خسارت‌های وارده به بزه دیده و نیز احیای بزهکار با مشارکت فعال و آزادانه بزه دیده و بزهکار و جامعه محلی، از طریق گفتگو و مذاکره رو در رو در قالب سازوکارهایی مانند میانجیگری و نشست‌های گروهی و خانوادگی به مصالحه و توافق اجتماعی تاکید می‌نماید.^۸

^۱ نجفی ابن‌آبادی، علی حسین، (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت-امنیت و حقوق-آزادیهای فردی، در آیین دادرسی کیفری: بنیان‌ها، چالش‌ها و راه کارها، انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی؛ چاپ اول، صفحه ۸۹.

^۲ (شاکی و خدابخشی پالندی، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

^۳ (شاکی و خدابخشی پالندی، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

^۴ (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۹۵)

^۵ (شاکی و خدابخشی پالندی، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

^۶ پیریایی (۱۳۸۹)؛

^۷ (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۰)

^۸ (میرزایی و کریمی، ۱۳۹۸: ۳۲).

ضرورت انجام این پژوهش دایره مدار این نکته مهم است که ارتکاب بزه در درجه اول به بزه دیده ضربه وارد می‌آورد و آنچه در اینجا اهمیت دارد، جبران خسارت‌های مادی، معنوی، روانی و عاطفی وارد شده بر او است. از طرف دیگر حل و فصل اختلاف‌های ناشی از ارتکاب بزه و آشتی بین طرف‌های ذینفع نیز نه به وسیله قدرت حاکم و دولت بلکه به وسیله جامعه محلی و با حضور فعال بزه دیده و بزه‌کار در چارچوب میانجیگری، مذاکره، مصالحه، نشست و... که ساز و کارهای مختلف «عدالت ترمیمی» محسوب می‌شوند باید صورت پذیرند. باتوجه به مطالب مذکور هدف از مقاله حاضر بررسی ترک تعقیب در حقوق کیفری ایران از منظر عدالت ترمیمی می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی این مسئله می‌پردازد که عدالت ترمیمی از طریق رویکرد جامعه‌نسبت به منافع بزه‌دیده، بزه کار و جامعه دارد که قرار ترک تعقیب یکی از جلوه‌های آن می‌باشد.

۱- قرار ترک تعقیب

تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ سابقه‌ای از ترک تعقیب در قوانین ایران نبوده است. ترک تعقیب نخستین بار در تبصره یک ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، توسط قانونگذار مورد توجه قرار گرفت و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲ در ماده ۷۹ نیز دوباره مقنن آن را ادامه داد. ماده ۷۹ قانون آ.د.ک که قرار ترک تعقیب را بنا به درخواست شاکی ممکن می‌نماید، نشان می‌دهد قانونگذاران به نوعی از دستاوردهای بزه دیده شناسی متأثر بوده‌اند. چون به همراه ورود این تأسیسات به حقوق کشور تفکر پذیرش آن به وسیله قضات هم آورده نمی‌شود، و از طرفی ابزارهای لازم قانونی و ضوابط و شرایط اجرا هم ناقص می‌باشد قضات با تأسیسات جدید با تردید و احتیاط برخورد می‌کنند به نحوی که صدور قرار ترک تعقیب به ندرت صورت می‌گیرد، خصوصاً قضات به راحتی مردم را تشویق به صلح و سازش می‌کنند و قرار موقوفی تعقیب در جرایم قابل گذشت صادر می‌کنند و در جرایم غیر قابل گذشت موجبی جهت تخفیف مجازات محکومین در اختیار دارند.

این بی‌اعتمادی به ابزارهای نوین، ناشی از نوع آموزش حقوقی و تفکر جرم‌گرایانه و برخورد صرفاً کیفری با اعمال و رفتارهای مجرمانه می‌باشد. در واقع قرار ترک تعقیب هم نوعی رضایت شاکی یا مدعی خصوصی در عدم پیگیری رسیدگی قضایی می‌باشد. در قرار ترک تعقیب به تقاضای شاکی امکان طرح مجدد شکایت وجود دارد^۱

با وجود اینکه تأسیس حقوقی "قرار ترک تعقیب"، بدیع و نو می‌باشد، لازم بود که مقنن برای بیان آن تفصیل بیشتری قائل می‌شد در حالی که صرفاً یک تبصره موجز و مختصر به آن اختصاص داده است (تبصره یک ذیل ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق) برای رفع ابهام و اجمال موجود در آن، تکیه بر رویه قضایی چاره ساز نبود، زیرا اولاً دادگاه‌ها، علی‌الاصول، واهمه دارند به وادی امور ناشناخته در دادرسی‌های کیفری وارد شوند و ثانیاً در موارد معدودی نیز که مبادرت به صدور قرار ترک تعقیب می‌نمایند، عمدتاً پشتوانه علمی و حقوقی مستحکم نداشته، بلکه صرفاً به منظور گریز از ترافیک پرونده‌ها به آن عمل می‌کنند^۲

۱-۱- ترک تعقیب و درخواست شاکی

ماده ۸ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ جرم را دارای دو حیثیت الهی و عمومی از یکسو و حیثیت خصوصی از سوی دیگر دانسته است ماده ۸ به این شرح است: «محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرمی که دارای جنبه الهی است می‌تواند دو حیثیت داشته باشد، الف: حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلاق در نظم عمومی ب: حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین.» بسیاری از جرایم علاوه بر جنبه عمومی به سبب خسارتی که از ارتکاب آنها به افراد وارد می‌شود واجد جنبه خصوصی نیز می‌باشند این گروه از جرایم به جرایم قابل گذشت و جرایم غیرقابل گذشت تقسیم می‌شوند^۳

دعوی خصوصی دعوی ضرر و زیان بزه‌دیده از جرم است در مقابل دادگاهی که به امر کیفری رسیدگی می‌کند. ماده ۹ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲، به بیان دعوی ناشی از جرم پرداخته است و آن را به دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی و دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است تقسیم کرده

^۱ (خورشیدی، ۱۳۹۴: ۴).

^۲ (پیریایی، ۱۳۸۹: ۱۲).

^۳ (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

است. دعوای خصوصی منحصر به مطالبه ضرر و زیان های وارده بر بزه دیده نیست و مطالبه کیفر در مواردی مانند قصاص نفس و یادیه نیز حق خصوصی تلقی شده است.

قانونگذار ۱۳۹۲ با تفکیک شاکی از مدعی خصوصی در ماده ۱۰ مقرر می دارد: «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی است.»^۱

بنا بر این ماده ۱۰ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲، شاکی شخص بزه دیده ای است که تعقیب مرتکب جرم را درخواست نموده است. به واقع با توجه به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شخص مجاز برای تقاضای ترک تعقیب شاکی است چرا که تقاضای ترک تعقیب فقط در جرایم قابل گذشت است و در جرایم غیر قابل گذشت به هیچ عنوان نمی توان تقاضای ترک تعقیب کرد. در ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، هرگاه مدعی درخواست ترک تعقیب می نمود و متعاقب آن قرار ترک تعقیب صادر می شد، وی هر وقت تمایل پیدا می کرد می توانست مبادرت به طرح شکایت مجدد کند. مقنن برای طرح شکایت مجدد هیچ شرطی تعیین نکرده بود و هیچ محدودیت زمانی هم پیش بینی نکرده بود؛ عقیده بر عدم محدودیت شاکی در تعداد دفعات استفاده از این حق نسبت به یک مشتکی عنه مطابق ظاهر قوانین بود، اما به نظر می رسد پابندی به ظاهر تبصره ۱ ماده مذکور و اعتقاد به نظریه ی فوق موجب سوءاستفاده شکات و تضییع حقوق متهمان می گردید. شاکی برای ایداء و اذیت مشتکی عنه می توانست به دفعات مبادرت به شکایت کند و چون پرونده را معد صدور قرار موقوفی یا منع تعقیب می دید، درخواست ترک محاکمه می کرد تا امکان طرح شکایت مجدد برای او فراهم باشد. در ماده ۷۹ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در تعقیب مجدد متهم توسط شاکی بیان گردیده است که به موجب آن برای تعقیب مجدد یک سال فرصت داده شده است به طوری که شاکی می تواند تعقیب مجدد را از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب تا یک سال بعد آن درخواست کند.

۱-۲- خاستگاه قرار ترک تعقیب

حقوق کیفری امروز، به طور کلی ریشه در تحولات فکری - فلسفی سده هجدهم دارد که با پشت سر گذاشتن فضای فکری «جرم مداری» و «مجرم داری» به عصر «بزه دیدم داری» قدم نهاد. در سال ۱۷۶۴ میلادی سزار بکاریا "رساله جرایم و مجازاتها در حقوق کیفری" را بر محور جرم مداری تدوین کرد. بدینسان تولید و تحول اولیه حقوق کیفری اعم از ماهوی و شکلی در یک فضای فکری «جرم مدارانه» محقق شد. لذا کیفر و مکافات دادن بزه کار، با عنایت به درجه وخامت و شدت عمل مجرمانه و بدون توجه به انگیزه مرتکب آن و اوضاع و احوال مشرف بر جرم بود. اما در سال ۱۸۷۶ با انتشار کتاب «انسان جنایتکار» اثر سزار لمبروزو، دگرگونی عمیق در نحوه نگرش به بزه کاری بوجود آمد. زیرا زمینه نگرش علمی به جرم و نیز بعدها زمینه تولد رشته ای را به نام «جرم شناسی» فراهم آورد. کمتر از یک سده پس از تولد جرم شناسی عده ای از جرم شناسان در مقام حل معمای بزه کاری و علت شناسی جرم، پژوهش های خود را بر کنشگر دیگر بزه کاری یعنی «بزه دیده» متمرکز کردند تا سهم، نقش، شخصیت و منش وی را در تکوین جرم و نیز در اقامه، تعقیب و در نهایت سقوط دعوا برآورد نمایند که حاصل آن بحثی جدید به نام «بزه دیده شناسی» است^۲

بر اساس همین رهیافت عقیدتی- حمایتی قانونگذاران کیفری، چندی بیش از پیش به خواسته و سرنوشت بزه دیده در مراحل مختلف فرآیند کیفری، از شروع تعقیب گرفته تا چگونگی اجرای مجازات، توجه کرده اند. در این خصوص می توان ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری که «قرار ترک تعقیب» را بنا به درخواست مدعی ممکن می نماید و نیز مواردی دیگر را در حقوق جزای ماهوی و شکلی ایران مشاهده کرد که نشان می دهد قانونگذاران، به نوعی از دستاوردهای «بزه دیده شناسی» متأثر بوده اند. از جمله ماده ۱۱، بند ب ماده ۱۳ و مواد ۱۲، ۶۲، ۷۰، ۹۹، ۲۸۳، قانون آیین دادرسی کیفری و بند الف و پ ماده ۳۸ و ماده ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی.

تصمیم شکلی مقام قضایی مبنی بر توقف تعقیب آن به دلیل وجود جهات سقوط دعوا را قرار موقوفی تعقیب کیفری می نامند^۳. این قرار که به کنارگذاری دعوای کیفری می انجامد برای نخستین بار در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ پیش بینی شده بود^۴. به موجب بند ب ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت از موارد موقوفی تعقیب شناخته شده است.

^۱ (آشوری، ۱۳۹۵: ۳۸۶).

^۲ (لوپز ویلیزولا، ۱۳۷۹: ۹).

^۳ (آخوندی، ۱۳۸۷: ۹).

^۴ (نیازپور، ۱۳۹۱: ۳۵۶).

قرار موقوفی تعقیب به معنای عدم امکان ادامه تعقیب و پیگیری اتهام می باشد و با صدور آن پرونده از جریان رسیدگی خارج می-شود. اما دلیل عدم تعقیب متهم این نیست که مرجع تحقیق با انجام تحقیقات به این نتیجه رسیده است که دلایل اتهام متوجه متهم نیست و متهم جرمی مرتکب نشده است، بلکه مرجع قضایی به دلیل وجود موارد قانونی که در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده این قرار را صادر کرده است. پس این تصمیم و قرار بدون توجه به اینکه دلایل اتهام متوجه متهم است یا خیر صادر خواهد شد و در تمام مراحل دادرسی می تواند صادر شود. اگر در مرحله تعقیب و تحقیق از علل مصرح در بندهای ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری رخ دهد تعقیب موقوف می شود. قرار موقوفی تعقیب در دادسرا توسط بازپرس یا دادیار صادر می گردد و در پرونده برای ملاحظه و اظهار نظر نزد دادستان در دادسرا ارسال می شود.

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، حسب مورد، موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است. لذا بزه دیده می تواند قبل از صدور کیفرخواست^۱ یا پس از آن، با اعلام گذشت، موجب موقوفی تعقیب گردد. حال چرا با وجود این تأسیس مهم در موقوف کردن تعقیب، قانونگذار، تأسیس دیگری به نام ترک تعقیب پیش بینی کرده است؟ پاسخ را باید در مطالعات بزه دیده شناختی دنبال کرد.

۳-۱- نقش در قرار ترک تعقیب

صدور قرار ترک تعقیب یکی از جلوه های عدالت ترمیمی است که در ماده ی ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به آن اشاره شده است، البته صدور قرار ترک تعقیب در تبصره ی ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ نیز پیش بینی شده بود اما دارای ابهامات و اشکالاتی بود که در این قانون برطرف شده است. از جمله اینکه صدور قرار ترک تعقیب فقط در جرایم قابل گذشت تجویز شده است که در تحقیق میدانی صورت گرفته در دادرسی عمومی و انقلاب استان فارس نمونه آراء صادره در این خصوص جهت مطالعه بیشتر ارائه می گردد.

رای شماره ۱: در خصوص آقای مین به که بر اساس شکایت خانم میم متهم است به ضرب و جرح عمدی و ترک نفقه و توهین با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت است و تاکنون منتهی به صدور کیفرخواست نشده و شاکی نیز به شرح رای درخواست ترک تعقیب نموده است مستند به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر می شود شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک سال از تاریخ صدور این قرار را درخواست کند شعبه پانزدهم دادیاری دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز.

رای شماره ۲: در خصوص آقای س س فرزند احمد که بر اساس شکایت آقای ن فرزند اسدالله متهم است به توهین و تخریب عمدی سکوی شاکی با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت است و تاکنون منتهی به صدور حکم نشده و شاکی نیز به شرح درخواست ترک تعقیب پیوست پرونده در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۹ تقاضای ترک تعقیب نموده است مستند به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر می شود شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یکسال از تاریخ صدور این قرار درخواست کند رای صادره حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در مرجع تجدیدنظر استان فارس می باشد. دادرسی شعبه اول دادگاه عمومی بخش خفر

رای شماره ۳: در خصوص خانم مالک سیم کارت ۰۹۱۲ که بر اساس شکایت خانم م متهم است به تهدید و توهین از طریق ارسال پیامک با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت است و تاکنون منتهی به صدور کیفرخواست نشده و شاکی نیز درخواست ترک تعقیب نموده است مستند به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر می شود شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار رد درخواست کند. شعبه پانزدهم دادگاه دادیاری دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز

رای شماره ۴: در خصوص آقای ن که بر اساس شکایت خانم ل.ش متهم است به صدور چک بلامحل با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت است و تاکنون منتهی به صدور کیفرخواست نشده و شاکی نیز درخواست ترک تعقیب نموده است مستند به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر می شود شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یکسال از تاریخ صدور قرار درخواست کند شعبه ششم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک شهرستان شیراز

۱. ماده ی ۲۶۵: بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله ی کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و فقدان ادله ی کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می شود.

رای شماره ۵: در خصوص شکایت آقای م.ی. فرزند س. علیه محمد دایر بر تهدید به قتل و ورود به عنف با عنایت به جمیع اوراق پرونده صرف نظر از صحت و سقم ادعای شاکی از آنجا که موضوع جنبه حق الناسی دارد و شاکی صراحتاً در صورت جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۲ درخواست ترک محاکمه را نموده است لذا مستنداً به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قرار ترک تعقیب صادر و اعلام می نماید صدور این قرار مانع از طرح شکایت مجدد شاکی نمی باشد رای صادره قطعی است دادرس شعبه اول دادگاه عمومی بخش چنار شاهيجان

رای شماره ۶: در خصوص آقای ب.ش که بر اساس شکایت اداره منابع طبیعی با نمایندگی میم متهم است به تخریب، تصرف عدوانی و چرای دام در مناطق قرق شده با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت می باشد و تا کنون منتهی به کیفرخواست نشده است و شاکی با وصول پرداخت خسارت درخواست ترک تعقیب متهم را نموده مستنداً به ماده ۵۹ قانون حفاظت از جنگلها و ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قرار ترک تعقیب صادر می شود شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار درخواست کند دادستان دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان پاسارگاد

رای شماره ۷: در خصوص شکایت آقای الف.م. علیه خانم الف.د. با موضوع افترا به شرح شکواییه با عنایت به محتویات پرونده و نظر به تقاضای شاکی مبنی بر ترک تعقیب متهم دادگاه به استناد ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر و اعلام می نماید شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار درخواست کند دادرس عمومی بخش آباءه طشک

رای شماره ۸: در خصوص شهرداری منطقه.. با سرپرستی س.د که بر اساس شکایت مجتمع ل به نمایندگی م.ن متهم است به تخریب و تصرف عدوانی با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت است و تاکنون منتهی به صدور کیفرخواست نشده و شاکی نیز به شرح لایحه تقدیمی وکیل الف.ر درخواست ترک تعقیب نموده است مستنداً به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر می شود شاکی می تواند تغییر مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار درخواست کند. شعبه اول بازپرسی ناحیه یک شهرستان شیراز رای شماره ۹: در خصوص شکایت اداره منابع طبیعی ک علیه آقای خ.س فرزند جهانگیر دایر بر ساختن کپر بدون مجوز در اراضی ملی با عنایت به محتویات پرونده و نظر به اینکه نماینده اداره شاکی تقاضای ترک تعقیب نموده لذا مستنداً به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار ترک تعقیب صادر و اعلام می دارد بدیهی است قرار صادره مانع از طرح شکایت مجدد از ناحیه شاکی نمی باشد. دادرس شعبه اول دادگاه عمومی بخش جره و بالاده

بازه زمانی برای صدور قرار ترک تعقیب حداکثر تا پیش از صدور کیفرخواست است.

صدور قرار ترک تعقیب از وظایف و اختیارات ویژه دادستان است و بازپرس حق صدور قرار ترک تعقیب را ندارد و باید به دادستان پیشنهاد دهد. در پرونده های که به طور مستقیم به دادگاه ارجاع می شود دادگاه رأساً می تواند این قرار را صادر کند.

چنانکه اشاره شد تغییری که از سوی تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری سابق صورت گرفته است، این است که تعقیب مجدد متهم از ناحیه شاکی صرفاً برای یک بار تا یک سال از صدور قرار ترک تعقیب امکان پذیر است و پس از یک سال اعتبار امر مختوم پیدا می کند^۱. بدیهی است محدودیت های ذکر شده با توجه به اهمیت فصل خصومت و قلع مادهی نزاع و زدایش هراس، تشویش و اضطراب حاصله از این اهرم فشار بر متهم، در مجموع یک نوآوری مثبت محسوب می گردد. در مجموع صدور قرار

^۱ - پذیرش این روش در شماری از آراء دادگاه تجدید نظر استان فارس تبلور پیدا کرد. برای نمونه، شعبه ۶ دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه یک شهر شیراز به موجب دادنامه ۱۳۳۰۰۱۹۰۰۷۰۹۹۷۰۵۰۹۵۰۹۵ مورخ ۸ خرداد ۱۳۹۵ با جرم صدور چک بلامحل، با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت بوده و تاکنون منتهی به صدور کیفرخواست نشده، و با توجه به درخواست شاکی مبنی بر ترک تعقیب متهم را نموده است، مستنداً به ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار ترک تعقیب متهم صادر شد. شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور این قرار درخواست کند. در نمونه دیگری از آراء ارائه شده، شعبه دادستانی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان پاسارگاد تصمیم نهایی شماره ۵۱۰۰۰۵۱۰۰۹۹۷۵۳۳۰۰۰۰۹۵۰۹۵ مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، بر اساس شکایت اداره منابع طبیعی متهم با جرم تخریب، تصرف عدوانی، چرای دام در مناطق قرق شده با توجه به اینکه جرم مذکور از جرایم قابل گذشت بوده و تاکنون منتهی به صدور کیفرخواست نشده، و شاکی با وصول خسارت درخواست ترک تعقیب متهم را نموده است، مستنداً به ماده ۵۹ قانون حفاظت از جنگلها و ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قرار ترک تعقیب صادر شد. شاکی می تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور این قرار درخواست کند.

ترک تعقیب، به شیوه‌ی اشاره شده در قانون، یک فرایند ستودنی نیست و ایرادهای فراوانی بر آن وارد است؛ با وجود این، با محدود کردن دفعات تعقیب مجدد و انحصار آن به مدت یک سال تا حدی ضعف قوانین گذشته جبران شده است (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

۲- مفهوم عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، دعوتی است به مشارکتی کامل، اتفاق نظر و اجماع. این بدان معناست که بزه‌کاران، بزه دیدگان و جامعه محلی در اجرای عدالت درگیر شوند (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۰). هاوارد زهر، با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی، آن را این گونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرآیندی است، برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند تا آنجا که امکان پذیر است تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور، به اندازه‌ای که امکان پذیر است، اقدام نمایند» (زهر، ۱۳۸۳: ۳۶). یکی از تعاریف پذیرفته شده برای عدالت ترمیمی، تعریف تونی مارشال، نویسنده و جرم شناس انگلیسی است، که می‌گوید: «عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه‌ی کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند، گرد هم می‌آیند، تا به طور جمعی درباره‌ی چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده راه حلی بیابند» (رایت، ۱۳۸۴: ۳۶).

در برخی منابع، از این اصطلاح به قضای احیاگر یاد شده است و هدف از آن، تدوین و گسترش سیاست‌هایی دانسته شده است که مجرم را به جبران خسارات وارده واداشته تا از این طریق بتواند اعتماد بزه دیدگان و نیز عموم افراد را به جامعه، مجدداً احیا کند. از این منظر، مفهوم جرم چیزی جز بی‌حرمتی به مردم و مناسبات موجود میان آنان به شمار نمی‌رود. همچنین به باور این نظام فکری، اجرای اقدامات مزبور حق جامعه بوده و نباید در انحصار دولت باشد (وایت و هینز، ۱۳۹۰: ۳۶۹). در واقع، مجرم باید مسئولیت رفتار مجرمانه خود را پذیرفته و نیازهای افراد و اجتماع را که بر اثر ارتکاب جرم دچار خلل شده است برطرف نماید. ذکر این نکته نیز ضروری است که در این فرآیند، اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم نیز بررسی می‌شود. و به همین دلیل، نیازهای هر سه طرف درگیر در واقعه مجرمانه که عبارت از مجرم، بزه دیده و اجتماع هستند مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه، تلافی و مجازات در مفهوم سنتی آن از بین می‌رود. هر چند انتقاداتی نیز به عدالت ترمیمی وارد شده است. به این صورت که عدالت ترمیمی را به نوعی می‌توان اجبار روانی بر بزه‌دیدگان تلقی کرد تا در فرآیندهایی که به این منظور تشکیل می‌شود شرکت نمایند؛ به گونه‌ای که بزه‌دیده احساس می‌کند حقوق وی و قابلیت سرزنش مجرم، تحت الشعاع این فرآیند قرار می‌گیرد (بابایی، ۱۳۹۵: ۳۶۲).

در ساده‌ترین تعریف ممکن، عدالت ترمیمی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن، تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخیل هستند، گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر، در خصوص آثار و نتایج عمل مجرمانه بر بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه، پس از وقوع جرم و همچنین جبران خسارت‌ها و صدمات ناشی از جرم، چاره‌اندیشی نمایند. هر چند به دلیل ماهیت منعطف این مدل، ارایه تعریفی جامع و مانع از آن مشکل است؛ لیکن میان حداقل‌هایی از طرف‌ها، رویه‌ها و برنامه‌های آن، می‌تواند به روشن شدن زوایای مورد توجه آن بینجامد. نقطه مشترک تمامی تعاریف ارایه شده از عدالت ترمیمی، التفات به نقش آفرینی سه عنصر و رکن اساسی است که مثلث عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهند و این سه عنصر چیزی نیست جز بزه دیده، بزه‌کار و جامع (شیری، ۱۳۸۵: ۲۱۳).

عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، هم درباره‌ی جرم و هم درباره‌ی چگونگی پاسخ به آن است. ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در رویکردی جرم شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در دوده اخیراست. مطابق نظر برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری درآمده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۳۴).

۲-۱- عدالت کیفری ترمیمی

عدالت کیفری ترمیمی به معنی دادگری سزادهی اصلاح کننده خواهد بود. به همین جهت است که عدالت احیاء کننده نیز در معنی عدالت ترمیمی به کار رفته است. در مفهوم عدالت کیفری ترمیمی نوعی کیفر و سزا مدنظر است که از ویژگی احیاء و اصلاح و جبران خسارات بزه دیده برخوردار است و بعضاً پیشنهاد شده است. عدالت ترمیمی باید جایگزین واقعی نظام عدالت کیفری باشد؛ زیرا نظام کیفری صرفاً به جرم و مجازات مجرم و خصیصه ارعابی سزا توجه دارد و از حقوق و خسارات بزه دیده غافل است (غلامی، ۱۳۸۴: ۳۳). در عدالت کیفری ترمیمی اولویت اول ترمیم حقوق و خسارات وارد شده بر قربانی جرم و یا اقارب و اولیاء وی بوده و بازپروری بزه‌کار دغدغه دوم است. عدالت ترمیمی به دلایلی می‌تواند به عنوان جانشین عدالت کیفری کلاسیک چه در شکل سزا دهنده و چه در شکل بازپرورانه آن

برای حل و فصل اختلاف‌های ناشی از جرم، پیشگیری از بزهکاری و حتی اصلاح مجرم نیز اعمال شود. یا گفته‌اند، در این روش ترمیم خسارت وارد شده بر بزه دیده با عنوان جایگزین کیفر مطرح می‌شود. در عدالت کیفری ترمیمی می‌توان گفت اختیاردار اصلی بزه دیده است، همان که در فقه گفته شده است: «آن ترک ترک» و سرنوشت بزهکار و جامعه نیز به فراموشی سپرده نشده و گفته شده است که «عدالت ترمیمی عدالت کیفری کلاسیک را از لاک بسته خود خارج کرده و با جلب همکاری فعال بزه دیده و بزهکار و جامعه مدنی سیاست جنایی مشارکتی را دنبال می‌کند». آن چه که امروزه به عنوان عدالت کیفری ترمیمی مطرح است و در حقوق پرسابقه اسلام مطرح نظر بوده، اصل بودن ترمیم خسارات بزه دیده می‌باشد؛ اگر سزایی هم در بین باشد جنبه فرعی و ثانوی دارد، و می‌توان گفت فرع بر شکایت بزه دیده خواهد بود، چنانچه از شرایط اجراء حد سرقت مرافعه و شکایت مال باخته به قاضی است (نجفی ابرنآبادی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۴).

۲-۲- اصول عدالت ترمیمی در فرآیند ترک تعقیب

عدالت ترمیمی روندی است که در آن طرفین جرم که در معرض وقوع جرمی خاص قرار گرفته اند (بزه دیده، بزهکار و اعضای جامعه محلی) مورد حمایت قرار می‌گیرند و در گفتگو در مورد اوضاع و احوال مرتبط با جرم بطور ارادی مشارکت می‌نمایند. هدف از این مشارکت درک علل مبنایی ارتکاب جرم و تأثیراتی است که جرم بر روی افراد صدمه دیده داشته است و همچنین معطوف نمودن توجه به نیازهای طرفین جرم جهت اصلاح و ترمیم روابط آنها می‌باشد.

نظام‌های حقوقی در قلمرو آیین دادرسی، در خصوص تعقیب کیفری، از اصول الزام و اقتضای تعقیب^۱ تبعیت می‌نمایند (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۶۸؛ خالقی، ۱۳۹۳). در نظام‌های تابع قانونی بودن تعقیب، انحصار جریان دعوای عمومی در دست دادستان بوده^۲ و مبنای آن، برابری شهروندان در برابر قانون کیفری است. از آنجا که هر عمل مجرمانه، موجب اخلاص در نظم اجتماعی می‌گردد، صرف نظر از شدت و اوضاع پیرامون آن، دعوای عمومی به جریان افتاده و مرتکب، مجازات خواهد شد. این نوع نگاه سخت گیرانه که مستلزم نوعی تعقیب نظام مند بود، در مواجهه با تحولات سیاست جنایی، از جمله در حوزه حقوق کیفری اطفال، با محدودیت‌های جدی مواجه شد.

در نظام اقتضای تعقیب، در برخی موارد، دادستان پس از بررسی اوضاع، محتوای پرونده و ملاحظاتی تحقیقات پلیس، اگر تعقیب را ضروری بداند، دعوای عمومی را به جریان انداخته و اگر کیفر بزه کار را بی‌فایده تشخیص دهد، دعوای عمومی را جاری نکرده و پرونده را بایگانی می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

پس از مدتی، افزایش انتقادات برای بایگانی پرونده، منتهی به تغییرات مهم سیاست کیفری با هدف اجتناب از صدور قرار بایگانی ساده و ضرورت همراهی آن با یک پاسخ کیفری شد. این امکان برای دادسرا در قالب آیین‌های جایگزین تعقیب مانند میانجیگری و مصالحه ی کیفری، با عنوان «راه سوم»^۳ مطرح شد (گسن، ۱۳۸۵). این راه در اختیار دادستان است تا اتخاذ تصمیم را به رفتار بعدی مرتکب منوط نموده و به عنوان مثال، در جرایم خرد بتواند به میانجیگری کیفری متوسل شده و از مرتکب و بزه دیده بخواهد دعوای ناشی از جرم را دوستانه، حل و فصل نمایند.^۴

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، که از قرائت خاصی از اصل اقتضای تعقیب، تبعیت می‌کند، بر اساس ماده‌ی ۹، ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود؛ الف: دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی. ب: دعوای خصوصی

^۱ - کشورهایی مانند اسپانیا، ایتالیا، اغلب کانتون‌های سوئیس، یونان، سوئد، ایرلند، کشورهای اروپای شرقی و آلمان، از سیستم قانونی بودن تعقیب تبعیت می‌کنند. کشورهایی مانند فرانسه، بلژیک نیز پیش رو در اصل اقتضای تعقیب می‌باشند. کشورهای اتحادیه ی اروپا از این حیث، دو دسته هستند: دسته ای تحت تأثیر آموزه‌های کانت، پیرو سیستم الزام تعقیب، و دسته ی دیگر تحت تأثیر آموزه‌های بنتام، اقتضای تعقیب را دنبال می‌کنند.

^۲ - برای مطالعه ی بیشتر رجوع کنید: خزایی، منوچهر (۱۳۶۵)، سیستم «قانونی بودن» و سیستم «موقعیت داشتن یا مناسب بودن» تعقیب کیفری؛ مجله ی تحقیقات حقوقی، دوره ی دوم، شماره ی ۲، صفحه ۵۲.

^۳ - اهمیت این اقدامات به اندازه ای است که آنها را اقداماتی مستقل و روشی جداگانه برای اقامه دعوای عمومی محسوب کرده اند. اصل ضرورت تناسب در ارائه ی پاسخ قضایی، موجب ایجاد تنوع و تعدد شیوه‌های پاسخ دهی می‌شود.

^۴ - در بند الف ماده ۱ از آیین نامه ی میانجیگری در امور کیفری، این نهاد چنین تعریف شده است: فرآیندی که طی آن، بزه دیده و متهم با مدیریت میانجگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و راههای جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفت و گو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.

برای مطالبه‌ی زیان ناشی از جرم یا مطالبه‌ی کیفرهایی که به موجب قانون، حق خصوصی بزه دیده است، مانند حد قذف و قصاص. البته بعضی از جرایم، علاوه بر حیثیت عمومی، حیثیت خصوصی دارند، ارتکاب جرم، لزوماً موجب طرح دو دعوا نشده، بلکه می‌تواند چنین گردد. اقامه دعوا و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی، با شاکی یا مدعی خصوصی است. لذا شروع، ادامه ی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. بر اساس ماده‌ی ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی هرگاه شاکی در جرایم تعزیری قابل گذشت، به مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود.^۱ این تعقیب بر اساس ماده‌ی ۱۲، در جرایم قابل گذشت، که فقط با شکایت شاکی شروع می‌شود، در صورت گذشت او، مستند به بند ب ماده ی ۱۳، موقوف می‌گردد. به این ترتیب راه سوم وجود ندارد.

قانون آیین دادرسی کیفری ایران با پیش‌بینی نهادهای مشابه راه سوم در حقوق فرانسه، مانند میانجیگری کیفری^۲ (موضوع ماده ی ۸۲)، تعلیق تعقیب (موضوع ماده ی ۸۱) و بایگانی پرونده (موضوع ماده ۸۰) و با الهام از آموزه‌های فقهی، در جرایمی با عنوان حق الناس، در راستای تأمین خواست بزه‌دیده، نهاد ترک تعقیب را پیش‌بینی کرده که بر اساس آن، شاکی می‌تواند به استناد ماده‌ی ۷۹ تا قبل از صدور کیفرخواست، درخواست ترک تعقیب کند.

۲-۳- فرایند عدالت ترمیمی

فرایندهای ترمیمی، به فرایندهایی اطلاق می‌شود که بزه دیده و بزهکار و بصورت خاص‌تر، هر فرد یا اعضای جامعه آسیب دیده از بزه، فعالانه در حل کردن مشکلات ناشی از بزه شرکت نمایند و نیز فرایندهای ترمیمی میانجیگری، آشتی و نشست و حلقه‌های تعیین مجازات را در بر می‌گیرد. به عبارتی همه فرایندی که در آن، بزه دیده و بزهکار و در صورت لزوم، هر فرد و یا اعضای جامعه که تحت تاثیر بزه یا یکدیگر فعالانه کار کرده و همکاری داشته باشند برای مسائل به وجود آمده برای بزه، راه حلی پیدا نمایند که به یک تسهیل کننده یاری کنند، فرایند ترمیمی نامیده می‌شود. عدالت ترمیمی به بررسی خطاها و آسیب‌ها می‌پردازد. خطاهایی که بزهکار مرتکب می‌گردد و آسیب‌هایی که به روابط بزه دیده و بزهکار، بزهکار و اجتماع و ... وارد شده است و سپس به اصلاح این آسیب‌ها می‌پردازد. مشخص است که این آسیب‌ها بر بزه دیده تاثیر می‌گذارد. پس بزه دیده یکی از افرادی است که باید در یک فرایند ترمیمی شرکت داشته باشد چون در درجه اول او آسیب دیده است و بدون حضور و امکان شناسایی دقیق آسیب‌های وارده و اصلاح آن آسیب‌ها، امکانپذیر نیست و خطاها به روابط بزهکار و بزه دیده، روابط بزهکار و اعضای جامعه و روابطی که در این راستا آسیب می‌زند. پس باید به بزهکار نیز توجه شود چون او نیز از اجزای این رابطه می‌باشد پس خود وی نیز آسیب دیده است (شیری، ۱۳۹۶: ۳۳۴-۳۳۳). اگر گفته شود عدالت ترمیمی به دنبال التیام بخشیدن آسیبی است که رخ داده هر دو طرف باید در فرایند

شرکت نمایند به عبارتی عدالت ترمیمی در پی ترسیم رابطه دو طرفه است بنابراین لازم است که هر دو طرف یعنی بزه دیده و بزهکار تا پایان فرایند محاکم در جهت یک مسیر گام بردارند و برای ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز آشتی و گسترش توافق پیرامون نتیجه دلخواه بین بزه دیده و بزهکار تاکید کنند (شیری، ۱۳۹۶: ۳۳۵). و از توسل به شیوه‌های سنتی رسیدگی قضایی پرهیز کرده و بنابراین نهادهای سازش و میانجی را می‌توان از بارزترین این جلوه‌ها دانست. طرف‌های درگیر اختلاف بزهکار و بزه دیده هر دو می‌توانند بطور مستقیم در موضوع مورد اختلاف، تاثیرگذار باشند زیرا همواره شانس حل و فصل اختلاف میان خود را دارند. در حالیکه این شانس در شیوه‌های سنتی دیده نمی‌شود. استفاده از مصالحه بیرون از دادگاه برای نظام عدالت کیفری نیز سود (به ویژه اقتصادی) بسیاری دارد زیرا در غیر این‌صورت نظام کیفری ناچار است هزینه‌های هنگفتی را صرف نظارت و نگهداری مجریان بر اصلاح و بازسازی آنان کند. در روش‌های حل و فصل سازشکارانه، به بزه دیده فرصت

۱ - ماده ۱۰۶: در جرایم تعزیری قابل گذشت، هرگاه متضرر از جرم به مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود، مگر این که تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم، قبل از انقضای مدت مذکور فوت کرده و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد، هر یک از ورثه ی وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد.

تبصره - غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه ی او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده ی ۱۰۵ این قانون، مشمول مرور زمان نشده باشد.

۲ - برای مطالعه ی بیشتر در پیشینه ی این نهاد در فرانسه رجوع کنید: کوشکی، غلامحسن؛ جایگزین های تعقیب دعوای عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه؛ فصل نامه ی پژوهش حقوق عمومی؛ شماره ی ۲۹، تابستان ۱۳۸۹، صفحه ۳۲۷-۳۵۰.

داده می‌شود تا احساساتش از قبیل شرم، خشم، حساسیت و رضایت را ابراز کند. بنابراین امکان راهنمایی او برای مشاوره و درمان فراهم می‌گردد از نظر شکلی نیز روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه این امکان را فراهم می‌کند که بزه دیده خسارت را بدون درگیر شدن در تشریفات دست و پاگیر اداری و کاغذ بازی دریافت نماید (امین ورزلی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۰).

بطور کلی در عدالت ترمیمی اهمیت دادن به نتیجه، مهمتر از فرایند است. در صورتی که فرایند ترمیمی به نتیجه ترمیمی منجر نشود این فرایند شکست خورده تلقی می‌شود در یک فرایند ترمیمی، هدف (رسیدن به نتیجه ترمیمی) اصل تلقی می‌شود (شیری، ۱۳۹۶: ۳۳۶).

نتیجه گیری

در این تحقیق قرار ترک تعقیب از منظر عدالت ترمیمی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این قرار که به موجب ماده ۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری در جرایم قابل گذشت امکان پذیر است و به موجب آن شاکی می تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب نماید و در این صورت دادستان قرار مذکور را صادر می کند که دارای آثاری است از جمله خاتمه دادن به جریان دادرسی؛ عدم شمولیت آن بر قاعده فراغ دادرسی، بایگانی شدن پرونده و مشخص شدن تکلیف اموال موجود در پرونده، ضمناً عدالت ترمیمی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت و کنشگران آن یعنی بزه دیده و بزه کار مطرح شدن که در مورد قرار ترک تعقیب و حضور آنها و چگونگی محدودیت های عدالت ترمیمی روشن شود. حمایت از حقوق بزه دیدگان و فراموش نکردن حق و حقوق آنها از جمله هدف های نظام عدالت کیفری است که همواره در دوره های مختلف و با رویکردهای متفاوت مورد توجه بوده است. بارزترین این رویکردها عدالت ترمیمی است که در پرتو آن نظام عدالت کیفری با یک نگرش بزه دیده مدار به دنبال تأمین خواسته های بزه دیدگان است و هم چنین در رویکرد توافقی به عدالت کیفری مقام قضایی با مشارکت بزه کار در خصوص سرنوشت دعوای کیفری تصمیم گیری می کنند.

در جریان بررسی قرار ترک تعقیب از منظر عدالت ترمیمی دو سؤال ذیل مطرح می شود: ۱- که از منظر عدالت ترمیمی، جایگاه ترک تعقیب کدام است؟. بنظر می رسد عدالت ترمیمی رویکرد جامعی نسبت به منافع بزه دیده، بزه کار و جامعه دارد که قرار ترک تعقیب یکی از جلوه های آن می باشد. اما با ویژگی های خاص؛ ۲- آیا قانونگذار ایران ترک تعقیب را با هدف بهره بری از آموزه های ترمیمی تدوین کرده است؟. درواقع بنظر می رسد قانونگذار ایران از نظام عدالت کیفری سرکوب گر و مکافات گرا به سمت اعمال نظام عدالت کیفری که با آموزه های عدالت ترمیمی سازگاری دارد رفته و قرار ترک تعقیب یکی از نوآوری های حقوق کیفری ایران مبتنی بر عدالت ترمیمی می باشد. با اینکه به صراحت، فصل یا ماده ی خاصی در مقررات کیفری به عدالت ترمیمی اختصاص نیافته، قاضی، قرائت ترمیمی نموده و طرفین پرونده را که شناخت نسبی از یکدیگر دارند، به سمت تأمین حداقلی نظرات بزه دیده و پیشگیری از تکرار جرم مرتکب هدایت نموده و ضمانت اجرای آن را تعقیب مجدد متهم تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب قرار داده است.

نتیجه ای که از این پژوهش گرفته می شود بر این مبنا است که ایران با در نظر گرفتن قرارهایی مانند ترک تعقیب و فراغ از محدودیت های آن و مطرح کردن عدالت ترمیمی و به طور کلی تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به سمت و سوی توافقی شدن آئین دادرسی کیفری گام بر داشته است و این نقطه عطفی محسوب می شود چرا که این مساله وجود داشت اما با توجه به این موارد و تصویب این قانون و طرح مطالبی مانند عدالت ترمیمی گرایش را بیشتر کرده است. پس در نهایت این باید اینطور گفت که راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری هنوز به شکل نظام مند به گستره سیاست جنایی راه نیافته است. اگر چه شماری از شیوه های آن در برهه های مختلف تقنینی به پهنه عدالت کیفری ایران وارد شده اند ولی به نظر می رسد تحت تاثیر گفتمان توافقی نبوده است، بلکه این شیوه ها در آن دوره ها بر پایه سایر راهبردهای سیاست جنایی و البته با رویکرد یک سویه برای دسترسی به هدف های دیگر مورد توجه قرار گرفته اند. با وجود این، در هر یک از این روش ها جلوه ای از راهبرد مذکور مشاهده می شوند. آیین دادرسی کیفری تا قبل از پیدایش رویکرد توافقی، به دلیل ملازمه داشتن با حاکمیت و اقتدار عمومی فقط با رویکرد عمودی در راستای پاسخ دهی به بزه کاران گام بر می داشت اما با تغییر جهت به سوی این راهبرد و به دنبال آن فراهم شدن امکان مداخله بزه کاران در فرآیند تصمیم گیری قضایی - کیفری زمینه های توافقی شدن عدالت کیفری پدید آمد. و آیین دادرسی کیفری در پرتو این راهبرد مذکور از حالت یک سویه خارج شده و در مواردی جنبه سازشی به خود گرفته است.

این پایان نامه مبتنی بر این ادعا می باشد که اگر اثربخشی خوانش ترمیمی از قرار ترک تعقیب، در مطالعات کمی و کیفی دیگر از پرونده های منتهی به قرار ترک تعقیب در دادسرا و دادگاه تأیید شود، شایسته است قانونگذار در اصلاحات بعدی قانون آیین دادرسی کیفری، به آن وجه تقنینی بدهد. زیرا پذیرش فلسفه عدالت ترمیمی، مستلزم پذیرش آثار و نتایج در مراحل فرایند عدالت کیفری است. با توجه به تحولات اجتماعی - فرهنگی در جامعه ی ما، قانونگذار می تواند در شیوه نگارش ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی تجدید نظر نموده و دامنه ی جرایم قابل گذشت را با رویکرد افزایش دامنه ی عدالت ترمیمی، بسیار توسعه داده و جهت تضمین هرچه بیشتر راه کارهای ترمیمی، اقداماتی از جمله لحاظ نحوه ی دسترسی بهتر به متهم و جبران خسارت بزه دیده را در نظر بگیرد. همچنین می توان گفت که گسترش قلمرو ترک تعقیب دعوای کیفری که این گسترش در رفتن به سمت راهبرد توافقی شدن آئین دادرسی کیفری بسیار سودمند است و علاوه بر این تحقیق و بررسی بیشتر در زمینه های عدالت ترمیمی و ارتقاء و پیشرفت آن پیشنهاد می شود.

منابع

- آخوندی محمود (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری، ج ۶، تهران، چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، شناسایی آیین دادرسی کیفری، دفتر دوم»، تهران، دور اندیشان، چاپ چهاردهم
- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری؛ انتشارات سمت؛ چاپ نوزدهم.
- امین ورزلی، نصرالدین. (۱۳۸۸). «گزارش تحلیلی علل تشکیل پرونده‌های قضایی و تدابیر قضازدایی»، دو هفته نامه علمی-تحلیلی سازمان بازرسی، گزارش پژوهشی، ۲ (۱۵): ۱-۲۵.
- بابایی، محمد علی. (۱۳۹۵). چالش‌های نظری عدالت ترمیمی و جلوه‌های آن در قانون آیین دادرسی کیفری، دائرة المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان: ۳۷۲-۳۵۸.
- پیریایی، موسی (۱۳۸۹) مبانی نظری قرار ترک تعقیب و جایگاه آن در قانون آیین دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.
- جعفری لنگرودی محمد جعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق، تهران: احمدی، چاپ هفتم.
- جمشیدی، علیرضا؛ علیرضا نوریان. (۱۳۹۲)، متناسب بودن تعقیب کیفری؛ مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان؛ پژوهش حقوق کیفری؛ ۱ (۳)، ۱۶۱-۱۴۳.
- خورشیدی، عزت اله. (۱۳۹۴)، جایگاه قرار ترک تعقیب، کانون وکلای دادگستری لرستان.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی حمایتی، انتشارات دادگستر، چاپ دوم.
- زهر، هوارد (۱۳۸۳) کتاب کوچک عدالت ترمیمی، مترجم: حسین غلامی، جلد اول، انتشارات مجد
- شاکری، ابوالحسن، خدابخشی پالندی، حسن (۱۳۸۹) قرار ترک تعقیب موضوع تبصره ۱ ماده ۱۷۷ ق.ا.د.ک ۱۳۷۸ و بحث‌های پیرامون آن، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۴۰ (۳)، ۱۸۷-۱۷۱.
- شیری، عباس (۱۳۸۵) عدالت ترمیمی، مبانی و کنشگران، رساله دکترا، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران
- شیری، عباس. (۱۳۹۶). عدالت ترمیمی، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، افق‌های نوین تعدیل تدریجی یا تغییر آن، انتشارات موسسه فرهنگی نگاه بینه.
- غلامی، حسین (۱۳۸۴) بررسی جایگاه عدالت ترمیمی در پیش نویس پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵، ۱۶: ۳۴۴-۳۳۶.
- غلامی، حسین (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، تهران، نشر سمت،
- گسن، رمون (۱۳۸۵)، ملاحظات درباره هدف آیین دادرسی کیفری؛ ابراهیمی، شهرام؛ مجله ی حقوقی دادگستری؛ شماره های ۵۶ و ۵۷.
- لوپز- ژراروفیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند، احمد محمدی، تهران، انتشارات مجد،
- مایز، مایکل؛ مارشال، تونی؛ رایت، مارتین. (۱۳۸۴) عدالت ترمیمی: ارتقا بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری، مترجم: امیر سماواتی، انتشارات خلیلیان، چاپ اول.
- میرزایی، فرهاد، کریمی، نسیم (۱۳۹۸)، بررسی راهکارهای عدالت ترمیمی در جرائم خانوادگی (مطالعه موردی: ترک انفاق)، مجله بینا لمللی پژوهش ملل، ۴ (۴۰)، ص ۳۲
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران (۱۳۸۷). اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی، دوره ۱۲، ش ۳، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ص ۴۴،
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱)، «نقش بزه دیده در چگونگی پاسخ دهی به بزه‌کاران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ص ۳۶۷-۳۵۶.
- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۵)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ پنجم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.